

مطالعه جامعه شناختی رابطه توسعه با نابرابری اجتماعی و فقر با تأکید بر نرخ بیکاری و جرائم (مطالعه موردی شهر تهران)

رزیتا خسروی^۱، محمدعلی چیت‌ساز^۲، کاظم قجانوند^۳

۱. گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران
۲. گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران
۳. گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: Mad3175@yahoo.com

چکیده

مطالعات اخیر نشان می‌دهد که مناطق شمالی تهران از امکانات و شاخص‌های توسعه‌یافتگی اقتصادی، اجتماعی و زیرساختی بالاتری برخوردار هستند، در حالی که بخش‌های جنوبی و جنوب‌شرقی به عنوان کانون‌های فقر و محرومیت، با معضلات جدی اقتصادی و اجتماعی مواجه‌اند. هدف از پژوهش مطالعه جامعه شناختی رابطه توسعه با نابرابری اجتماعی و فقر با تأکید بر نرخ بیکاری و جرائم در شهر تهران بود. پژوهش حاضر از روش ترکیبی کمی و کیفی بهره می‌گیرد. در بخش کیفی، از روش تحلیل محتوای کیفی از نوع استقرایی استفاده شد. جامعه آماری در این بخش ۱۵ نفر از متخصصان در حوزه‌های مددکاری اجتماعی و مدیریت شهری به شمار می‌روند داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شد. برای تحلیل این داده‌ها از روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده گردید. در بخش کمی جامعه آماری کلیه شهروندان در مناطق مختلف شهر تهران بودند. برای انتخاب نمونه، ابتدا چهار منطقه نمونه از تهران به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند (مناطق ۳ شمال، ۲۲ غرب، ۱۲ جنوب و ۴ شرق)، سپس نمونه‌گیری تصادفی ساده از میان شهروندان هر منطقه انجام شد حجم نمونه نهایی ۳۸۲ نفر تعیین شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته بود تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ بود. نتایج نشان داد در خصوص رابطه بین توسعه‌یافتگی در مناطق شهر تهران و نرخ بیکاری ضریب همبستگی منفی نشان داد که در مناطق توسعه‌یافته، نرخ بیکاری کمتر است. تحلیل همبستگی نشان داد که بین سطح توسعه‌یافتگی و نرخ جرایم رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد.

کلیدواژه‌گان: فقر، نرخ بیکاری، نرخ جرائم و خسونت‌ها، شهر تهران

تاریخ ارسال: ۱۹ فروردین ۱۴۰۴

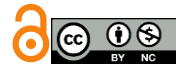
تاریخ بازنگری: ۷ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۰ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲۰ خرداد ۱۴۰۴



How to cite: Khosravi, R., Chitsaz, M. A., & Ghojavand, K. (2025). A Sociological Study of the Relationship Between Development, Social Inequality, and Poverty with an Emphasis on Unemployment Rate and Crimes (Case Study: Tehran City). *Training, Education, and Sustainable Development*, 3(1), 1-18.



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

A Sociological Study of the Relationship Between Development, Social Inequality, and Poverty with an Emphasis on Unemployment Rate and Crimes (Case Study: Tehran City)

Rozita Khosravi¹, Mohamad Ali Chitsaz^{2*}, Kazem Ghojavand³

1. Department of Sociology, Faculty of Humanities, Deh.C., Islamic Azad University, Dehaqan, Iran

2. Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, Deh.C., Islamic Azad University, Dehaghan, Iran

3. Department of Social Work, Faculty of Humanities, Kho.C., Islamic Azad University, Khomeinishahr, Iran

*Corresponding Author's Email: Mad3175@yahoo.com

Abstract

Recent studies indicate that the northern districts of Tehran possess higher levels of economic, social, and infrastructural development indicators, while the southern and southeastern parts, identified as centers of poverty and deprivation, are confronted with serious socio-economic challenges. The objective of the present study was to investigate, from a sociological perspective, the relationship between development, social inequality, and poverty with an emphasis on unemployment rate and crimes in Tehran City. This research employed a mixed-method approach, incorporating both quantitative and qualitative techniques. In the qualitative phase, the method of inductive qualitative content analysis was used. The statistical population in this phase consisted of 15 experts in the fields of social work and urban management. Data were collected through semi-structured interviews. For analyzing these data, open, axial, and selective coding methods were applied. In the quantitative phase, the statistical population comprised all citizens across different districts of Tehran. To select the sample, four districts were randomly chosen through simple random sampling (District 3 in the north, District 22 in the west, District 12 in the south, and District 4 in the east). Subsequently, simple random sampling was conducted among citizens of each district, resulting in a final sample size of 382 individuals. The data collection tool was a researcher-designed questionnaire, and data analysis was conducted using SPSS version 26. The findings revealed that regarding the relationship between development in Tehran districts and unemployment rate, the correlation coefficient was negative, indicating that unemployment is lower in more developed districts. Correlation analysis further demonstrated that there is a negative and significant relationship between the level of development and crime rates.

Keywords: Poverty, unemployment rate, crime and violence rate, Tehran City

Submit Date: 08 April 2025

Revise Date: 28 May 2025

Accept Date: 31 May 2025

Publish Date: 10 June 2025

فقر و نابرابری اجتماعی از مهم‌ترین معضلات جوامع بشری در سده اخیر محسوب می‌شوند که نه تنها در بعد اقتصادی، بلکه در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و حتی روان‌شناختی نیز تأثیرات ژرفی بر کیفیت زندگی انسان‌ها دارند. در واقع، این پدیده‌ها از اساسی‌ترین موانع توسعه پایدار به شمار می‌روند و پیامدهای گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف به دنبال دارند (Salehi Amiri & Rahmani, 2009). فقر، صرفاً به معنای محرومیت اقتصادی نیست بلکه زمانی خطرناک‌تر می‌شود که با طرد اجتماعی، نابرابری‌های پایدار و افزایش آسیب‌های اجتماعی همچون خشونت، جرایم و اعتیاد همراه گردد (Alavi, 2020). چنین شرایطی نه تنها بنیان‌های اجتماعی جوامع را تهدید می‌کند بلکه فرایندهای توسعه‌ای را نیز دچار اخلاص می‌سازد.

تجربه‌های جهانی نشان داده‌اند که رابطه‌ای دوطرفه میان توسعه، فقر و نابرابری وجود دارد؛ به گونه‌ای که توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌تواند از شدت فقر و نابرابری بکاهد و در مقابل، تداوم فقر و نابرابری نیز توان و سرعت توسعه را محدود می‌کند (Ahmad & Kamali, 2021; Wilkinson & Pickett, 2018). نظریه‌پردازانی چون کوراک بر این باورند که نابرابری اقتصادی، فرصت‌های ارتقای اجتماعی را محدود کرده و زمینه‌ساز «تله فقر» در میان طبقات پایین جامعه می‌شود (Corak, 2013). در همین راستا، دیدگاه‌های جامعه‌شناختی متعددی همچون کارکردگرایی مدرن نیز نابرابری را جزئی ساختاری از جوامع صنعتی دانسته‌اند، هرچند در صورت تداوم می‌تواند تعادل اجتماعی را بر هم زند (Almond, 2020).

شهر تهران به عنوان پایتخت ایران و بزرگ‌ترین کلان‌شهر کشور، نمونه بارزی از جامعه‌ای است که در آن توسعه نامتوازن، فقر شهری و نابرابری اجتماعی به صورت هم‌زمان مشاهده می‌شوند. در دهه‌های اخیر، رشد جمعیت شهری، مهاجرت‌های گسترده و فشار بر زیرساخت‌های شهری باعث شده است تا شکاف میان مناطق شمالی و جنوبی تهران بیش از پیش تعمیق یابد (Mohammadi, 2020; Shojaei et al., 2021). در حالی که مناطق شمالی و غربی از امکانات آموزشی، بهداشتی، رفاهی و فرصت‌های شغلی بیشتری برخوردارند، مناطق جنوبی و شرقی با کمبود امکانات، نرخ بالای بیکاری، فقر و آسیب‌های اجتماعی مواجه‌اند (Rezayi et al., 2023). این الگوی نابرابری فضایی، نه تنها بازتابی از ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کلان است بلکه پیامد مستقیم سیاست‌گذاری‌های شهری و اقتصادی در سطوح مختلف نیز به شمار می‌آید (Khakpour & Bavandpoori, 2019; Shahbazi & Ghafari, 2019).

فقر و نابرابری در تهران به طور عمده با دو متغیر کلیدی نرخ بیکاری و نرخ جرایم شهری پیوند خورده‌اند. بر اساس نظریه‌های جامعه‌شناسی، فقدان فرصت‌های شغلی مشروع و پایدار سبب می‌شود تا افراد به سوی فعالیت‌های غیرقانونی و انحرافی گرایش پیدا کنند (Khezri, 2019; Macionis, 2021). در همین زمینه، پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که نرخ بالای بیکاری در مناطق فقیرنشین تهران همبستگی مستقیمی با رشد جرایم خرد، خشونت‌های خیابانی و افزایش احساس ناامنی در میان شهروندان دارد (Karimi et al., 2020; Kazemi, 2021). به عبارت دیگر، بیکاری و فقر نه تنها بر معیشت خانوارها اثر می‌گذارند بلکه به افزایش هزینه‌های اجتماعی و روانی در سطح کلان‌شهر منجر می‌شوند.

در سطح جهانی نیز ارتباط میان فقر، نابرابری و جرایم بارها تأیید شده است. برای نمونه، مطالعات انجام‌شده در کشورهای OECD نشان داده‌اند که نابرابری درآمدی می‌تواند با افزایش خشونت‌های شهری و بی‌ثباتی اجتماعی همراه باشد (Haan & Sturm, 2017). همچنین پژوهش‌های مرتبط با کیفیت زندگی شهری نشان داده‌اند که توزیع نابرابر منابع و خدمات، عامل اساسی در شکل‌گیری احساس بی‌عدالتی و کاهش سرمایه اجتماعی در میان شهروندان است (Sabatini & Tacsir, 2022).

یکی از مسائل مهم در کلان‌شهر تهران، تمرکز جغرافیایی فقر و محرومیت است. تحلیل‌های فضایی نشان داده‌اند که مناطق جنوبی و جنوب‌شرقی تهران نه تنها از لحاظ زیرساختی و خدمات شهری در وضعیت نامطلوبی قرار دارند، بلکه به کانون اصلی حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی نیز تبدیل شده‌اند (K. Moavand et al., 2016; Sajadi et al., 2018). در این مناطق، کیفیت خدمات آموزشی و بهداشتی پایین‌تر از

میانگین شهر است و همین امر سبب بازتولید چرخه فقر میان نسل‌ها شده است (Najafi, 2018). چنین وضعیتی نشان‌دهنده ارتباط نزدیک میان فقر، سرمایه اجتماعی و کیفیت نهادهای شهری است که در نظریات توسعه اجتماعی نیز مورد تأکید قرار گرفته است (Sadeghi, 2019; Soleimani, 2019).

از منظر نظری، مفهوم توسعه اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با شاخص‌هایی همچون اعتماد اجتماعی، مشارکت مدنی، سرمایه اجتماعی و هویت جمعی دارد (Ahmadi, 2016; Sadeghi & Zanjari, 2017). توسعه پایدار نیز بدون توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی نمی‌تواند به‌طور کامل تحقق یابد (Madani, 2012). در همین راستا، پژوهشگران داخلی تأکید کرده‌اند که بی‌توجهی به عدالت اجتماعی در برنامه‌های توسعه‌ای کشور موجب شده تا نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی تداوم یابند (Ahmadi & Shahabi, 2021; Saidi, 2020). افزون بر این، عواملی همچون تورم، شوک‌های اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی نیز در افزایش نرخ فقر و کاهش فرصت‌های برابر در جامعه نقش داشته‌اند (Alizadeh et al., 2022; Nasiri, 2022).

مطالعات بین‌المللی نیز نشان می‌دهند که نابرابری اجتماعی نه‌تنها سلامت جسمانی و روانی افراد را تهدید می‌کند بلکه می‌تواند اعتماد اجتماعی و انسجام جامعه را نیز به شدت کاهش دهد (Wilkinson & Pickett, 2018). به همین دلیل، بررسی ابعاد مختلف نابرابری اجتماعی و ارتباط آن با توسعه شهری، اهمیت ویژه‌ای برای جوامعی چون تهران دارد که با ترکیبی پیچیده از فشارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مواجه‌اند.

با توجه به این شرایط، مطالعات متعدد در داخل کشور تلاش کرده‌اند ابعاد فقر و نابرابری را شناسایی کنند. پژوهش‌هایی در زمینه نابرابری فضایی نشان داده‌اند که دسترسی به خدمات شهری و فرصت‌های شغلی در تهران به‌طور نابرابر توزیع شده است (Amini et al., 2019; Mohammadi, 2020). همچنین تحقیقات مرتبط با توسعه انسانی و فقر تأکید کرده‌اند که سیاست‌های بازتوزیعی و تقویت نظام تأمین اجتماعی می‌تواند در کاهش فقر شهری نقش بسزایی داشته باشد (Aslani & Rahmani Khalili, 2024; Ghasemi & Noorouzi, 2022). با این حال، این سیاست‌ها غالباً به‌صورت مقطعی اجرا شده و به دلیل کمبود منابع مالی یا ضعف در اجرای عدالت اجتماعی، نتایج پایداری به دنبال نداشته‌اند (Khademizadeh, 2022).

از منظر فرهنگی و اجتماعی نیز، پدیده فقر در تهران به کاهش مشارکت مدنی، بی‌اعتمادی اجتماعی و گسترش انزوای فردی منجر شده است (Mousavi, 2019; Taheri & Pourkarimi, 2017). این امر در نهایت توان جامعه برای مقابله با بحران‌های اقتصادی و اجتماعی را کاهش می‌دهد. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی در ایران طی سال‌های اخیر با افت چشمگیری مواجه شده و همین امر توانایی شهروندان برای ایجاد شبکه‌های حمایتی را تضعیف کرده است (Najafi, 2018).

بررسی پیشینه‌ها نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از مطالعات موجود بر ابعاد اقتصادی فقر تمرکز داشته و ابعاد اجتماعی، فرهنگی و فضایی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است (A. Moavand et al., 2016; Sadeghi & Zanjari, 2017). همچنین، بسیاری از تحقیقات به‌طور خاص به رابطه توسعه‌یافتگی با نرخ بیکاری و جرایم در تهران پرداخته‌اند (Shahbazi & Ghafari, 2019). این در حالی است که شناخت رابطه میان این متغیرها می‌تواند راهگشای سیاست‌گذاری‌های شهری و اجتماعی باشد.

بر اساس شواهد موجود، وضعیت تهران نمونه‌ای بارز از توسعه نامتوازن است که در آن نابرابری فضایی و اجتماعی، بیکاری و فقر به شکل متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند (Ghorbani & Rezayi, 2015; Karimi & Ahmadi, 2020). مناطق برخوردار از نظر توسعه زیرساختی، معمولاً نرخ بیکاری و جرایم پایین‌تری دارند، در حالی که مناطق محروم با معضلات چندگانه‌ای مواجه‌اند که به بازتولید فقر و افزایش جرایم منجر می‌شود (Shojaei et al., 2021). در این زمینه، تأکید جامعه‌شناسان توسعه بر عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه منابع، می‌تواند به‌عنوان مبنای نظری مهمی برای پژوهش حاضر در نظر گرفته شود (Ahmad & Kamali, 2021; Soleimani, 2019).

بنابراین، پژوهش حاضر در پی آن است که با رویکردی جامعه‌شناختی، رابطه توسعه با نابرابری اجتماعی و فقر را در شهر تهران با تأکید بر دو شاخص کلیدی نرخ بیکاری و نرخ جرایم بررسی نماید

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از روش ترکیبی کمی و کیفی بهره می‌گیرد و از بین رویکردهای مختلف روش ترکیبی استفاده شد. در بخش کیفی، از روش تحلیل محتوای کیفی از نوع استقرایی استفاده شد. در این روش، با به کارگیری یک تعریف عملیاتی به عنوان کد که بر اساس مباحث نظری به دست آمده است، تحلیل محتوا آغاز می‌شود. جامعه آماری در این بخش ۱۵ نفر از متخصصان، نخبگان و پژوهشگران ارشد در زمینه جامعه‌شناسی شهری، اقتصاد شهری و نیز متخصصان در حوزه‌های مددکاری اجتماعی و مدیریت شهری به شمار می‌روند که در قالب روش دلفی مورد مصاحبه نیمه ساختاریافته قرار گرفتند. در بخش کیفی از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و متخصصان جمع‌آوری شد. برای تحلیل این داده‌ها از روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده گردید که بر اساس نظریه تحلیل داده‌های کیفی استراوس و کوربین (۱۹۹۸) توسعه یافته است.

در بخش کمی جامعه آماری در این بخش کلیه شهروندان در مناطق مختلف شهر تهران بودند. برای انتخاب نمونه، ابتدا چهار منطقه نمونه از تهران به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند (مناطق ۳ شمال، ۲۲ غرب، ۱۲ جنوب و ۴ شرق)، سپس نمونه‌گیری تصادفی ساده از میان شهروندان هر منطقه انجام شد تا نمایندگی مناسبی از تنوع جغرافیایی و اجتماعی-اقتصادی در شهر حاصل شود حجم نمونه نهایی ۳۸۲ نفر تعیین شد که براساس جدول مورگان و محاسبات فرمول کوکران قابل توجیه و علمی می‌باشد. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته بود که بر اساس مبانی نظری، یافته‌های بخش کیفی و مرور ادبیات تدوین شده است. برای افزایش روایی پرسشنامه، ابتدا سوالات بر اساس نظریات و مدل‌های علمی تدوین شد و سپس توسط کارشناسان خبره در حوزه جامعه‌شناسی شهری، اقتصاد شهری و مددکاری اجتماعی مورد بررسی و اصلاح قرار گرفت. همچنین، با انجام آزمون پایایی (ضریب آلفای کرونباخ) اعتبار داخلی پرسشنامه سنجیده شد و نتایج نشان‌دهنده قابل قبول بودن این ابزار بود. پرسشنامه‌های محقق‌ساخته به صورت حضوری و همچنین در برخی موارد از طریق ابزارهای الکترونیکی و آنلاین در بین نمونه‌های آماری توزیع شد. داده‌های کمی جمع‌آوری شده از پرسشنامه‌ها پس از ورود به نرم‌افزارهای آماری، جهت تحلیل‌های توصیفی و استنباطی پردازش شدند. نرم‌افزارهای مورد استفاده شامل SPSS نسخه ۲۶ بود.

یافته‌ها

نتایج نشان داد فراوانی شهروندان مرد در مناطق مورد مطالعه در این پژوهش برابر با ۲۰۸ نفر و شهروندان زن برابر با ۱۷۴ نفر بوده است. اکثریت پاسخگویان (حدود ۴۲ درصد) در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال قرار دارند که سهم زنان و مردان تقریباً برابر است (۴۲.۵ درصد زنان و ۴۱.۳ درصد مردان). این گروه سنی را می‌توان به عنوان پرجمعیت‌ترین گروه در نمونه پژوهش قلمداد کرد. گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال با حدود ۲۸ درصد از کل نمونه در رتبه دوم قرار دارد که این نسبت نیز در میان زنان و مردان تقریباً مشابه است. در گروه سنی کمتر از ۳۰ سال، سهم مردان (۱۵.۴ درصد) نسبت به زنان (۶.۹ درصد) به مراتب بالاتر است، که نشان‌دهنده حضور کمتری از زنان جوان در نمونه می‌باشد. در گروه سنی ۵۱ سال و بالاتر، سهم زنان (۲۱.۸ درصد) بیشتر از مردان (۱۵.۴ درصد) است. اکثریت پاسخگویان (حدود ۶۶.۵ درصد) دارای مدرک دیپلم هستند که سهم زنان (۶۸.۹ درصد) کمی بیشتر از مردان (۶۴.۴ درصد) است. گروه تحصیلی «فوق دیپلم و بالاتر» حدود ۲۱.۵ درصد از کل نمونه را تشکیل می‌دهد که سهم مردان (۲۶ درصد) نسبت به زنان (۱۶.۱ درصد) بالاتر است. بیشترین فراوانی پاسخگویان در گروه‌های درآمد ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان و ۲۰ تا ۲۵ میلیون تومان متمرکز شده است، به‌طوری که حدود ۶۸ درصد از کل نمونه در این دو بازه درآمدی

قرار دارند. درصد زنان در این گروه‌ها به ترتیب ۳۵.۶ و ۴۰.۲ درصد است که نسبت به مردان با ۲۹.۸ و ۳۱.۷ درصد، کمی بیشتر است. نتایج حاکی از آن است که در تهران، فاصله درآمدی بین زنان و مردان در سطوح بالاتر درآمد بیشتر نمایان است.

جدول ۱. خلاصه مدل رگرسیونی فرضیه‌های پژوهش

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
-۰/۲۳۶	۰/۰۷۱	۰/۰۷۱	۱/۱۴۳
-۰/۲۵۵	۰/۰۷۶	۰/۰۷۶	۱/۳۳۳

بر اساس جدول (۱)، در متغیر نرخ بیکاری ضریب همبستگی برابر منفی ۰/۲۳۶ به دست آمده است که نشان‌دهنده وجود رابطه‌ای معکوس و نسبتاً ضعیف بین دو متغیر است. ضریب تعیین $R^2 = ۰/۰۷۱$ بیانگر آن است که ۱/۷ درصد از تغییرات نرخ بیکاری به وسیله متغیر توسعه‌یافتگی مناطق تبیین می‌شود. همچنین ضریب تعیین تعدیل‌شده نیز ۰/۰۷۱ است که پس از تعدیل برای تعداد نمونه، همچنان نشان از مناسب بودن نسبی مدل دارد. همچنین ضریب همبستگی (R) بین متغیرهای میزان توسعه‌یافتگی مناطق شهر تهران و نرخ جرایم و خشونت‌ها برابر با ۰/۲۵۵ به دست آمده است؛ این مقدار نشان‌دهنده وجود رابطه‌ای معکوس و نسبتاً ضعیف بین دو متغیر می‌باشد. ضریب تعیین $R^2 = ۰/۰۷۶$ بیانگر آن است که حدود ۶/۷ درصد از تغییرات نرخ جرایم و خشونت‌ها توسط میزان توسعه‌یافتگی مناطق شهر تهران قابل تبیین است.

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس فرضیه‌های پژوهش

منابع	مجموع	درجه	میانگین	مقدار F	سطح معنی
مجذورات	آزادی	مجذورات	داری		
اثر رگرسیونی	۲۰/۰۲۲	۱	۲۰/۰۱۱	۱۵/۱۲۴	۰/۰۰۰
باقیمانده	۲۳۷/۰۶۸	۳۸۱	۱/۳۵۳		
کل	۲۵۷/۱۴۳	۳۸۲			
اثر رگرسیونی	۲۰/۶۶۲	۱	۲۰/۵۵۱	۱۵/۱۸۸	۰/۰۰۰
باقیمانده	۲۳۸/۷۱۸	۳۸۱	۱/۳۳۰		
کل	۲۵۹/۱۸۰	۳۸۲			

بر اساس جدول (۲)، در مورد متغیر نرخ بیکاری آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد که مدل رگرسیونی از نظر آماری معنادار است. مقدار آماره‌ی F برابر با ۱۵/۱۲۴ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۰ است که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که اثر توسعه‌یافتگی مناطق شهر تهران بر نرخ بیکاری، به صورت معنادار و فراتر از تصادف بوده و مدل دارای قدرت تبیین قابل قبولی است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که توسعه‌یافتگی نقش معناداری در پیش‌بینی تغییرات نرخ بیکاری دارد. در مورد نرخ جرائم نتایج نشان می‌دهد که اثر رگرسیونی متغیر میزان توسعه‌یافتگی مناطق شهر تهران بر نرخ جرایم و خشونت‌ها معنادار است. مقدار آماره‌ی F برابر با ۱۵/۱۸۸ و سطح معنی‌داری $p < ۰/۰۰۰$ (به دست آمده است. این نتایج حاکی از آن است که اثر مشاهده‌شده در مدل رگرسیونی تصادفی نیست و توسعه‌یافتگی مناطق شهر تهران به صورت معناداری با نرخ جرایم و خشونت‌ها در ارتباط می‌باشد.

جدول ۳. ضرائب متغیرهای پژوهش

متغیر	B	خطای استاندارد	مقدار بتا	مقدار T	Sig سطح معنی داری
نرخ بیکاری	۰/۷۱۶	۰/۱۸۹	۰/۲۵۵	۳/۳۶۴	۰/۰۰۰
نرخ جرایم و خشونت‌ها	۰/۷۷۷	۰/۱۵۴	۰/۲۶۶	۳/۳۸۳	۰/۰۰۰

با توجه به جدول (۳) در متغیر بیکاری جدول ضرایب نشان می‌دهد که متغیر توسعه‌یافتگی مناطق شهر تهران دارای ضریب بتای استانداردشده منفی ۰/۲۵۵ و آماره‌ی t برابر ۳/۳۶۴- است که در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ ($p < ۰/۰۰۱$) معنادار می‌باشد. این بدان معناست که توسعه‌یافتگی،

پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار نرخ بیکاری است. در متغیر جرائم و خشونت‌ها مشاهده می‌شود که متغیر میزان توسعه‌یافتگی مناطق شهر تهران دارای ضریب بتای استاندارد شده منفی ۰/۲۶۶- و آماره‌ی t برابر با ۳/۳۸۳- است که در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ معنادار می‌باشد. این بدان معناست که میزان توسعه‌یافتگی، پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار نرخ جرایم و خشونت‌هاست.

پس از تعیین نتایج آزمون رگرسیون، واریانس و ضرائب فرضیه‌های پژوهش، مصاحبه با متخصصان شرکت‌کننده با روش دلفی برای بخش کیفی پژوهش انجام و مشخصات مصاحبه‌شوندگان، تحلیل و نتایج در جداول (۴ و ۵) ارائه گردید.

جدول ۴. مشخصات افراد متخصص مشارکت‌کننده در پژوهش

شماره مصاحبه‌شونده	مدرک تحصیلی	محل اشتغال	تخصص اصلی	تألیفات و مقالات در زمینه شهرنشینی
۱	دکتری تخصصی	عضو هیأت علمی دانشگاه	مددکاری اجتماعی	۱۲
۲	دکتری تخصصی	عضو هیأت علمی دانشگاه	جامعه‌شناسی	۱۷
۳	کارشناسی ارشد	شهرداری تهران	شهرسازی	۸
۴	دکتری تخصصی	عضو هیأت علمی دانشگاه	جغرافیای شهری	۱۵
۵	کارشناسی ارشد	سازمان برنامه‌ریزی	اقتصاد	۶
۶	دکتری تخصصی	عضو هیأت علمی دانشگاه	جامعه‌شناسی	۲۳
۷	دکتری تخصصی	نیروی انتظامی	آسیب‌شناسی اجتماعی	۱۰
۸	دکتری تخصصی	عضو هیأت علمی دانشگاه	برنامه‌ریزی شهری	۶
۹	کارشناسی ارشد	سازمان بهزیستی	جامعه‌شناسی	۵
۱۰	کارشناسی ارشد	سازمان بهزیستی	مددکاری اجتماعی	۳

جدول ۵. تحلیل مصاحبه متخصصین، کدگذاری و استخراج نشانه‌ها و فراوانی پاسخ در نرخ بیکاری

مقوله اصلی	شماره	جمله کد (اظهارات معنادار)	نشانه‌ها	فراوانی
بیکاری	۱	مدت زمان زیادی برای پیدا کردن کار باید صرف کرد. نمیشه با حقوق کم سر کار فت عملا ادم بیکار می‌مونه	بیکاری اجباری شدت یافته حقوق ناکافی و بیکاری کار یابی برای مردان سختتر شده	۵
	۲	هر چی دنبال کار می‌گردی باز هم کار مناسب پیدا نمیشه تعطیلی کارگاه باعث بیکاری بیشتر شده مدت زمان زیادی برای پیدا کردن کار باید صرف کرد. نمیشه با حقوق کم سر کار فت عملا ادم بیکار می‌مونه	بیکاری اجباری شدت یافته حقوق ناکافی و بیکاری کار یابی برای مردان سختتر شده	۶
	۳	بیشتر فارغ التحصیلان دانشگاه بیکار هستند. توقع جوانان هم بالا رفته مدت زمان زیادی برای پیدا کردن کار باید صرف کرد. نمیشه با حقوق کم سر کار فت عملا ادم بیکار می‌مونه	بیکاری اجباری شدت یافته حقوق ناکافی و بیکاری کار یابی برای مردان سختتر شده	۴
	۴	مدت زمان زیادی برای پیدا کردن کار باید صرف کرد. نمیشه با حقوق کم سر کار فت عملا ادم بیکار می‌مونه	بیکاری اجباری شدت یافته حقوق ناکافی و بیکاری کار یابی برای مردان سختتر شده	۳
	۵	مدت زمان زیادی برای پیدا کردن کار باید صرف کرد. نمیشه با حقوق کم سر کار فت خیلی ادم‌ها شغل کاذب دارند.	بیکاری اجباری شدت یافته حقوق ناکافی و بیکاری کار یابی برای مردان سختتر شده	۴
	۶	مدت زمان زیادی برای پیدا کردن کار باید صرف کرد. نمیشه با حقوق کم سر کار فت	بیکاری اجباری شدت یافته حقوق ناکافی و بیکاری	۶

۷	مدت زمان زیادی برای پیدا کردن کار باید صرف کرد. نمیشه با حقوق کم سر کار فت عملا ادم بیکار میمونه	کار یابی برای مردان سختتر شده
۸	مدت زمان زیادی برای پیدا کردن کار باید صرف کرد. نمیشه با حقوق کم سر کار فت عملا ادم بیکار میمونه	بیکاری اجباری شدت یافته حقوق ناکافی و بیکاری کار یابی برای مردان سختتر شده
۹	مدت زمان زیادی برای پیدا کردن کار باید صرف کرد. نمیشه با حقوق کم سر کار فت عملا ادم بیکار میمونه	بیکاری اجباری شدت یافته حقوق ناکافی و بیکاری کار یابی برای مردان سختتر شده
۱۰	مدت زمان زیادی برای پیدا کردن کار باید صرف کرد. نمیشه با حقوق کم سر کار فت عملا ادم بیکار میمونه	بیکاری اجباری شدت یافته حقوق ناکافی و بیکاری کار یابی برای مردان سختتر شده

جدول ۶. تحلیل مصاحبه متخصصین، کدگذاری و استخراج نشانه‌ها و فراوانی پاسخ در نرخ جرائم و خشونت‌ها

مقوله اصلی	شماره متخصص	جمله کد (اظهارات معنادار)	نشانه‌ها	فراوانی
جرائم	۱	هر روز ادم خشونت را در سطح خیابان میبینم جرم مثل نقل و نبات زیاد شده خشونت‌ها خیلی تنوع پیدا کرده اند. سرقت‌های خرد خیلی زیاد شده است. احساس نا امنی بین افراد زیاد شده است.	تنوع خشونت‌ها و جرایم افزایش محسوس نرخ خشونت گسترده‌گی جغرافیایی خشونت‌ها	۷
	۲	خشونت‌ها نهادینه داره میشه خشونت‌ها در هر گروه سنی دیده میشه هر روز ادم خشونت را در سطح خیابان میبینم جرایم خیلی ازار دهنده شده خشونت‌ها خیلی تنوع پیدا کرده اند. سرقت‌های خرد خیلی زیاد شده است. احساس نا امنی بین افراد زیاد شده است.	تنوع خشونت‌ها و جرایم افزایش محسوس نرخ خشونت گسترده‌گی جغرافیایی خشونت‌ها	۴
	۳	خشونت‌ها حتی به خونه کشیده شده هر جایی نگاه میکنی درگیری می‌بینی سرقت‌های خرد خیلی زیاد شده است. احساس نا امنی بین افراد زیاد شده است.	تنوع خشونت‌ها و جرایم افزایش محسوس نرخ خشونت گسترده‌گی جغرافیایی خشونت‌ها	۳
	۴	هر روز ادم خشونت را در سطح خیابان میبینم جرم مثل نقل و نبات زیاد شده خشونت‌ها خیلی تنوع پیدا کرده اند. سرقت‌های خرد خیلی زیاد شده است. احساس نا امنی بین افراد زیاد شده است.	تنوع خشونت‌ها و جرایم افزایش محسوس نرخ خشونت گسترده‌گی جغرافیایی خشونت‌ها	۳
	۵	امارهای نیروی انتظامی گویای شدت خشونت‌ها است. خشونت‌ها خیلی تنوع پیدا کرده اند. سرقت‌های خرد خیلی زیاد شده است. احساس نا امنی بین افراد زیاد شده است.	تنوع خشونت‌ها و جرایم افزایش محسوس نرخ خشونت گسترده‌گی جغرافیایی خشونت‌ها	۳
	۶	هر روز ادم خشونت را در سطح خیابان میبینم جرم مثل نقل و نبات زیاد شده خشونت‌ها خیلی تنوع پیدا کرده اند. سرقت‌های خرد خیلی زیاد شده است.	تنوع خشونت‌ها و جرایم افزایش محسوس نرخ خشونت گسترده‌گی جغرافیایی خشونت‌ها	۳

۷	هر روز ادم خشونت را در سطح خیابان میبینم جرم مثل نقل و نبات زیاد شده خشونت‌ها خیلی تنوع پیدا کرده اند. سرقت‌های خرد خیلی زیاد شده است. احساس نا امنی بین افراد زیاد شده است.	۴	تنوع خشونت‌ها و جرایم افزایش محسوس نرخ خشونت گسترده‌گی جغرافیایی خشونت‌ها
۸	هر روز ادم خشونت را در سطح خیابان میبینم جرم مثل نقل و نبات زیاد شده خشونت‌ها خیلی تنوع پیدا کرده اند. سرقت‌های خرد خیلی زیاد شده است. احساس نا امنی بین افراد زیاد شده است.	۳	تنوع خشونت‌ها و جرایم افزایش محسوس نرخ خشونت گسترده‌گی جغرافیایی خشونت‌ها
۹	هر روز ادم خشونت را در سطح خیابان میبینم جرم مثل نقل و نبات زیاد شده خشونت‌ها خیلی تنوع پیدا کرده اند. سرقت‌های خرد خیلی زیاد شده است. احساس نا امنی بین افراد زیاد شده است.	۳	تنوع خشونت‌ها و جرایم افزایش محسوس نرخ خشونت گسترده‌گی جغرافیایی خشونت‌ها
۱۰	هر روز ادم خشونت را در سطح خیابان میبینم خشونت‌ها تو مناطق جنوب شهر بیشتر دیده میشه خشونت‌ها تابع قواعد محل سکونت هست احساس نا امنی بین افراد زیاد شده است.	۳	تنوع خشونت‌ها و جرایم افزایش محسوس نرخ خشونت گسترده‌گی جغرافیایی خشونت‌ها

در ادامه با استفاده از تکنیک دلفی، از عوامل مؤثر بر فقر و نابرابری اجتماعی در شهر تهران از پژوهش‌های پیشین و نظرات متخصصین استخراج و ارائه گردید؛ که پاسخگو نظر خود را درباره میزان تأثیر هر یک از عوامل، مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرآیندها و نتایج ارائه دادند. در پرسشنامه دور اول تکنیک دلفی، لیستی از عوامل مؤثر بر فقر و نابرابری اجتماعی در شهر تهران ارائه شد. این لیست بر اساس یافته‌های پژوهش‌های پیشین و نظرات خبرگان حوزه استخراج و تدوین شده بود. از پاسخ‌دهندگان خواسته شد که نظر خود را درباره میزان تأثیر هر یک از عوامل، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به فرایندها و نتایج مرتبط با فقر و نابرابری اجتماعی بیان کنند. نتایج حاصل از دور اول تکنیک دلفی و ارزیابی میزان تأثیر عوامل مؤثر بر فقر و نابرابری اجتماعی در شهر تهران در جدول (۷) ارائه شده است.

جدول ۷. نتایج میانگین پاسخگویان و انحراف معیار نظرات خبرگان در دور اول به‌روش دلفی

شاخص‌های فقر و نابرابری اجتماعی	زیر مجموعه	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار
بیکاری	مدت زمان بیکاری	۳/۲۰	۰/۶۵
	بیکاری پنهان و موقت	۳/۳۶	۰/۷۸
	شدت بیکاری	۳/۱۸	۰/۳۸
جرایم و خشونت‌ها	تنوع خشونت‌ها و جرایم	۳/۷۹	۰/۲۸
	شدت خشونت‌ها و جرایم	۲/۷۴	۰/۵۲
	گسترده‌گی مناطق جغرافیایی خشونت‌ها	۲/۳۱	۰/۳۶

بر اساس داده‌های جدول (۷)، در محور بیکاری، بیشترین میانگین مربوط به بیکاری پنهان و موقت (۳.۳۶) است که نشان‌دهنده آن است که خبرگان پدیده بیکاری ناقص را نیز به اندازه بیکاری آشکار، مؤثر در فقر می‌دانند. مدت زمان بیکاری (۳.۲۰) و شدت بیکاری (۳.۱۸) نیز در سطح قابل توجهی قرار دارند. پراکندگی بیشتر نظرات در این محور (به‌ویژه در بیکاری پنهان با انحراف معیار ۰.۷۸) نشان‌دهنده دیدگاه‌های متنوع درباره ابعاد مختلف بیکاری در بافت شهری تهران است. همچنین تنوع خشونت‌ها و جرایم (۳.۷۹) یکی از شاخص‌های با اهمیت بالا در

کل جدول است. این موضوع نگرانی خبرگان نسبت به افزایش انواع خشونت و اثرات آن بر فقر و نابرابری را برجسته می‌سازد. در مقابل، گستردگی جغرافیایی خشونت‌ها (۲.۳۱) اهمیت کمتری یافته که می‌تواند بیانگر تمرکز جغرافیایی این پدیده در برخی مناطق خاص شهر باشد.

جدول ۸. نتایج میانگین پاسخگویان و انحراف معیار نظرات خبرگان در دور دوم بهروش دلفی

شاخص‌های فقر و نابرابری اجتماعی	زیر مجموعه	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار
بیکاری	مدت زمان بیکاری	۳/۲۹	۰/۶۸
	بیکاری پنهان و موقت	۳/۳۱	۰/۷۴
	شدت بیکاری	۳/۱۵	۰/۳۱
جرایم و خشونت‌ها	تنوع خشونت‌ها و جرایم	۳/۷۷	۰/۲۳
	شدت خشونت‌ها و جرایم	۲/۵۴	۰/۵۶
	گستردگی مناطق جغرافیایی خشونت‌ها	۲/۳۷	۰/۸۹

بر اساس داده‌های جدول (۸) شاخص‌های محور بیکاری با ثبات نسبی همراه بوده‌اند. مدت زمان بیکاری ۳.۲۹، بیکاری پنهان و موقت ۳.۳۱، و شدت بیکاری ۳.۱۵ همچنان در سطح متوسط باقی مانده‌اند. تغییرات اندکی در میانگین‌ها و انحراف معیارها دیده می‌شود که نشان‌دهنده پایداری در دیدگاه‌های خبرگان نسبت به وضعیت بیکاری است. همچنین در محور جرائم، تنوع خشونت‌ها و جرایم ۳.۷۷ همچنان جایگاه بالایی دارد. شدت خشونت‌ها ۲.۵۴ و گستردگی جغرافیایی خشونت‌ها ۲.۳۷ نیز با کمی افزایش در میانگین نسبت به دور اول، بیانگر نگرانی مداوم از امنیت اجتماعی در برخی مناطق شهری است. پراکندگی جغرافیایی خشونت‌ها با انحراف معیار بالا (۰.۸۹) همچنان محل اختلاف نظر میان خبرگان است.

جدول ۹. نتایج میانگین پاسخگویان و انحراف معیار نظرات خبرگان در دور سوم بهروش دلفی

شاخص‌های فقر و نابرابری اجتماعی	زیر مجموعه	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار
بیکاری	مدت زمان بیکاری	۳/۲۲	۰/۶۷
	بیکاری پنهان و موقت	۳/۴۴	۰/۷۸
	شدت بیکاری	۳/۱۸	۰/۳۳
جرایم و خشونت‌ها	تنوع خشونت‌ها و جرایم	۳/۱۲	۰/۲۴
	شدت خشونت‌ها و جرایم	۲/۷۴	۰/۵۸
	گستردگی مناطق جغرافیایی خشونت‌ها	۲/۳۵	۰/۸۴

همان‌گونه که در جدول (۹) مشاهده می‌شود، در اغلب شاخص‌ها، میزان پراکندگی کاهش یافته و میانگین‌ها به سمت «ثبات و همگرایی بیشتر» گرایش یافته‌اند. میزان توافق بین خبرگان بسیار بالا گزارش شده است. همچنین، در برخی شاخص‌ها نظیر «جرایم و خشونت‌ها» همچنان میزان پراکندگی نظرات نسبتاً بالاتر باقی مانده که می‌تواند بیانگر پیچیدگی ماهیت این عوامل و اختلاف در برداشت‌های خبرگان در این حوزه‌ها باشد. ضریب هماهنگی کندال^۱ در این دور معادل ۰.۹۴۷ محاسبه گردید که نشان‌دهنده افزایش سطح توافق و همگرایی در نظرات خبرگان نسبت به مراحل پیشین می‌باشد. با این حال، از آن‌جا که این مقدار نسبت به ضریب هماهنگی دور دوم (۰.۹۴۵) تفاوت قابل توجهی نشان نمی‌دهد، می‌توان نتیجه گرفت که نظرات خبرگان در این مرحله به سطحی از پایداری و تثبیت رسیده‌اند و فرایند دلفی در دستیابی به اجماع نظری مؤثر بوده است.

¹Kendall's W

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بین سطح توسعه‌یافتگی مناطق شهر تهران با نرخ بیکاری و نرخ جرایم رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد. به بیان دیگر، در مناطقی که شاخص‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و زیرساختی در سطح بالاتری قرار داشتند، نرخ بیکاری و جرایم پایین‌تر بوده است. این نتایج از منظر جامعه‌شناسی شهری اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا نشان می‌دهد که توسعه نامتوازن شهری به بازتولید فقر و افزایش آسیب‌های اجتماعی منجر می‌شود. یافته‌های حاصل از تحلیل‌های رگرسیونی و کیفی این پژوهش حاکی از آن است که در مناطق شمالی و برخوردار تهران، فرصت‌های شغلی پایدارتر و خدمات اجتماعی گسترده‌تر بوده و در مقابل، در مناطق جنوبی و کم‌برخوردار، بیکاری آشکار و پنهان گسترده‌تر و نرخ جرایم بالاتر گزارش شده است. این نتیجه با دیدگاه نظریه بازار کار دوگانه همسو است که تأکید دارد فرصت‌های شغلی در بازار کار به‌طور ساختاری میان بخش رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شود و همین امر موجب بازتولید نابرابری‌های اجتماعی می‌گردد (Almond, 2020; Macionis, 2021).

نتایج به‌دست‌آمده هم‌راستا با مطالعات پیشین در سطح داخلی و بین‌المللی است. در سطح داخلی، پژوهش‌هایی نشان داده‌اند که نابرابری فضایی در تهران موجب توزیع نامتوازن خدمات آموزشی و شغلی شده و همین امر به افزایش نرخ فقر و بیکاری در مناطق جنوبی و حاشیه‌ای منجر گردیده است (Karimi et al., 2020; Rezayi et al., 2023). همچنین تحلیل‌های اجتماعی و فضایی شهر تهران بیانگر آن هستند که مناطق شمالی به دلیل دسترسی بیشتر به خدمات عمومی، فرصت‌های اشتغال و سرمایه اجتماعی بالاتر، از نرخ جرایم پایین‌تری برخوردارند (Shahbazi & Ghafari, 2019; Shojaei et al., 2021). یافته‌های پژوهش حاضر این الگو را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که فقدان زیرساخت‌های توسعه‌ای در مناطق محروم شهر، عامل کلیدی افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی و نرخ بیکاری است.

در سطح بین‌المللی نیز شواهد مشابهی وجود دارد. پژوهش کوراک در زمینه نابرابری بین‌نسلی نشان می‌دهد که افزایش نابرابری درآمدی، فرصت‌های اجتماعی را محدود کرده و موجب تداوم چرخه فقر در نسل‌های بعدی می‌شود (Corak, 2013). همچنین، مطالعه ویلکینسون و پیکت بر روی جوامع نابرابر نشان می‌دهد که شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی نه تنها به نابرابری درآمدی منجر می‌شوند بلکه بر سلامت روانی و انسجام اجتماعی نیز اثرات مخربی دارند (Wilkinson & Pickett, 2018). یافته‌های این پژوهش درباره افزایش نرخ جرایم در مناطق فقیر تهران با چنین نتایجی همخوانی دارد، زیرا شرایط محرومیت مادی و اجتماعی، بستر بروز خشونت، سرقت و دیگر آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌کند.

از منظر نظریه‌های جامعه‌شناسی توسعه، نتایج این پژوهش را می‌توان در چارچوب دیدگاه‌های توسعه اجتماعی و سرمایه اجتماعی تحلیل کرد. توسعه اجتماعی بر ایجاد فرصت‌های برابر و ارتقای کیفیت زندگی در جامعه تأکید دارد (Ahmadi, 2016; Soleimani, 2019). یافته‌ها نشان دادند که مناطقی از تهران که از سرمایه اجتماعی بالاتر و مشارکت مدنی گسترده‌تر برخوردار بودند، با نرخ پایین‌تری از جرایم مواجه بودند. این مسئله نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از ارکان توسعه اجتماعی می‌تواند نقش تعدیل‌کننده‌ای میان فقر و بروز ناهنجاری‌های اجتماعی داشته باشد (Najafi, 2018; Sadeghi, 2019). همچنین، نتایج پژوهش حاضر همسو با نظریه کارکردگرایی مدرن است که معتقد است توسعه متوازن می‌تواند به ایجاد انسجام اجتماعی کمک کند و نابرابری‌های شدید را کاهش دهد (Almond, 2020).

از سوی دیگر، تحلیل‌های کیفی پژوهش نیز نشان داد که پدیده بیکاری پنهان و اشتغال ناقص در مناطق جنوبی تهران به‌طور چشمگیری بالاست و این امر نه تنها به کاهش درآمد خانوارها منجر شده بلکه بر افزایش احساس ناامنی اقتصادی و اجتماعی نیز تأثیر گذاشته است. این نتیجه با پژوهش‌هایی که در زمینه نقش عوامل اقتصادی در فقر و نابرابری انجام شده‌اند، مطابقت دارد (Alizadeh et al., 2022; Saidi, 2020). همچنین، ارتباط میان بیکاری جوانان و افزایش جرایم در این پژوهش با مطالعات پیشین در زمینه ارتباط میان بی‌ثباتی اقتصادی و نرخ بزهکاری شهری تأیید می‌شود (Hosseini, 2022; Kazemi, 2021).

نتایج به دست آمده در این پژوهش، همسو با پژوهش‌های انجام شده در سایر کلان‌شهرهای ایران نیز می‌باشد. برای مثال، بررسی نابرابری توسعه‌ای در شهر مشهد نشان داده است که مناطق کمتر برخوردار با نرخ بیکاری و آسیب‌های اجتماعی بیشتری روبه‌رو هستند (Khakpour & Bavandpoori, 2019). همچنین مطالعاتی در زمینه سکونتگاه‌های غیررسمی در تهران و دیگر شهرها بیانگر آن بوده‌اند که تمرکز فقر در مناطق خاص شهری، موجب افزایش جرایم خرد و بروز ناهنجاری‌های اجتماعی می‌گردد (A. Moavand et al., 2016; Sajadi et al., 2018). بنابراین، یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان در امتداد این ادبیات ارزیابی کرد که توسعه نامتوازن شهری، عامل تقویت‌کننده نابرابری اجتماعی و تشدیدکننده نرخ جرایم است.

به‌طور کلی، این پژوهش نشان می‌دهد که توسعه متوازن و عادلانه در مناطق شهری نه تنها به کاهش نرخ بیکاری کمک می‌کند بلکه می‌تواند به‌طور غیرمستقیم نرخ جرایم را نیز کاهش دهد. این نتیجه با دیدگاه‌هایی که بر نقش توسعه پایدار در کاهش فقر و آسیب‌های اجتماعی تأکید می‌کنند هم‌راستا است (Ahmad & Kamali, 2021; Madani, 2012). توسعه پایدار زمانی تحقق می‌یابد که ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌طور هم‌زمان مورد توجه قرار گیرند و سیاست‌های بازتوزیعی و عدالت اجتماعی در مرکز برنامه‌ریزی‌ها قرار داشته باشند (Ahmadi & Shahabi, 2021; Ghasemi & Noorouzi, 2022).

در نهایت، می‌توان گفت که نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که توسعه نامتوازن در تهران، زمینه‌ساز بیکاری مزمن، اشتغال ناقص و افزایش نرخ جرایم در مناطق محروم شده است. بنابراین، سیاست‌های توسعه شهری باید بر کاهش نابرابری‌های فضایی و اجتماعی، تقویت نظام تأمین اجتماعی و ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار در مناطق کمتر برخوردار متمرکز شوند.

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش حاضر، تمرکز آن بر چهار منطقه از شهر تهران (۳، ۴، ۱۲ و ۲۲) است. اگرچه این مناطق به‌گونه‌ای انتخاب شدند که تنوع فضایی و اجتماعی شهر را بازنمایی کنند، اما تعمیم نتایج به کل شهر باید با احتیاط صورت گیرد. علاوه بر این، داده‌های به‌کاررفته در پژوهش عمدتاً مبتنی بر پرسشنامه و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بوده‌اند و ممکن است برخی سوگیری‌های پاسخ‌دهندگان بر نتایج تأثیر گذاشته باشد. محدودیت دیگر مربوط به زمان انجام پژوهش است؛ شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور به دلیل تغییرات سریع در تورم، سیاست‌ها و تحولات سیاسی می‌تواند بر نرخ بیکاری و جرایم اثر بگذارد و نتایج در زمان‌های مختلف متفاوت باشد.

برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود که مطالعه حاضر در مقیاس گسترده‌تری شامل تمام مناطق ۲۲ گانه تهران و حتی سایر کلان‌شهرهای ایران تکرار شود تا امکان مقایسه میان‌شهری فراهم گردد. همچنین، استفاده از روش‌های تحلیل فضایی پیشرفته و داده‌های طولی می‌تواند روند تغییرات فقر، بیکاری و جرایم را در طول زمان نشان دهد. پژوهش‌های آینده می‌توانند به بررسی نقش متغیرهای میانجی همچون سرمایه اجتماعی، اعتماد نهادی و کیفیت حکمرانی شهری در رابطه میان توسعه و نابرابری اجتماعی بپردازند.

با توجه به یافته‌های پژوهش، سیاست‌گذاران شهری و مدیران اجرایی می‌توانند بر کاهش نابرابری‌های فضایی و اجتماعی تمرکز کنند. ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار در مناطق کم‌برخوردار، توسعه خدمات آموزشی و بهداشتی با کیفیت در جنوب تهران و بازتوزیع عادلانه منابع شهری از جمله اقداماتی است که می‌تواند به کاهش نرخ بیکاری و جرایم منجر شود. همچنین توجه به توانمندسازی اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی در محلات محروم می‌تواند به ارتقای احساس امنیت و انسجام اجتماعی کمک کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

Introduction

Social skills are widely recognized as foundational competencies that enable individuals to engage effectively in interpersonal, academic, and community contexts. They constitute a set of adaptive behaviors that help children and adolescents regulate emotions, initiate and sustain relationships, and manage social demands. A lack of social skills has been linked to poor peer relationships, increased behavioral difficulties, low self-esteem, and social withdrawal, particularly in vulnerable populations such as students with intellectual disabilities (Bavi & Ostadabbasi, 2021). The development of these competencies is thus critical for both psychological well-being and educational achievement.

The importance of social skills training in educational psychology and special education has been emphasized across multiple studies. For instance, research has demonstrated that structured social skills interventions can reduce maladaptive behaviors, improve assertiveness, and enhance interpersonal communication among students with learning and developmental difficulties (Khalatbari et al., 2010). Similarly, social skills training has been found to strengthen self-concept and self-efficacy, enabling students to express needs and feelings more effectively in social environments (Jamalzadeh, 2010).

Moreover, the contemporary digital environment has reshaped how young people interact and develop socially. Studies highlight that extensive digital engagement, particularly among Generation Z, can both enhance and hinder the acquisition of social competencies, depending on how it is structured and integrated with educational frameworks (Imjai et al., 2024). This duality suggests that the role of formal educational programs aimed at strengthening social interaction is becoming increasingly important.

International literature also underscores the close relationship between social skills, emotional intelligence, and academic motivation. Arias et al. (2022) found that emotional intelligence significantly predicts academic motivation in primary school students, thereby highlighting the interdependence between emotional-social competencies and learning (Arias et al., 2022). Similarly, Vila et al. (2021) argued that structured training in social skills and emotional intelligence contributes to improved adolescent behavior, reduces classroom conflict, and fosters coexistence (Vila et al., 2021). These findings suggest that investing in social-emotional skill development has benefits that extend beyond interpersonal communication to academic persistence and resilience.

In the Iranian context, studies have also emphasized the role of social and emotional training in empowering both teachers and students. Karimzadeh (2021) demonstrated that fostering emotional-social skills in classrooms enhances teacher-student interactions and creates a supportive educational climate (Karimzadeh,

2021). Similarly, Hussein (2021) found that emotional intelligence, mediated by mental health, predicts academic motivation among pre-university students (Hussein, 2021). Together, these findings highlight the relevance of social-emotional learning in diverse educational contexts.

Research has also established that interventions such as narrative therapy, drama-based training, and storytelling can foster emotional expression, empathy, and social adjustment. Boostani-Kashani et al. (2021) reported that narrative therapy improved communication skills and emotional expression among couples (Boostani-Kashani et al., 2021). Comparable approaches have been applied to students with social-emotional difficulties, underscoring the effectiveness of creative, experiential methods in promoting skill acquisition. Likewise, Trigueros et al. (2020) showed a significant association between emotional intelligence, social skills, and peer harassment, suggesting that training in these domains can serve as a protective factor against school bullying (Trigueros et al., 2020).

Complementary findings suggest that methods such as storytelling can be leveraged to reduce shyness and promote social competence. Rasooli et al. (2020) found that storytelling interventions improved emotional intelligence and reduced bashfulness among female students (Rasooli et al., 2020). Similarly, Chao-Fernández et al. (2020) documented the efficacy of computer-game-based music therapy in modifying disruptive behaviors and enhancing social skills (Chao-Fernández et al., 2020). These results highlight the potential of multimodal, innovative educational practices to address social and behavioral challenges.

Akhavan Tafti and Mofradnezhad (2018) also highlighted the importance of emotional intelligence and social skills in relation to psychological well-being in older populations, underscoring the generalizability of these concepts across the lifespan (Akhavan Tafti & Mofradnezhad, 2018). Polat et al. (2022) extended this perspective by showing that collaborative learning with mind mapping fosters social skill development among children (Polat et al., 2022). In technological contexts, Lee et al. (2022) demonstrated that a metaverse-based social skills program improved social interactions among children with autism (Lee et al., 2022). Meanwhile, Yousefi and Hashemian Nejad (2021) provided evidence that educational games enhance both learning and social skills in anxious preschoolers (Yousefi & Hashemian Nejad, 2021).

In a similar vein, McNaughton et al. (2021) concluded that digital engagement, both within and outside school, influences children's self-regulation and social skills (McNaughton et al., 2021). Factor et al. (2021) found that social skills training programs for autistic preschoolers not only improved children's outcomes but also enhanced caregiver functioning and family cohesion (Factor et al., 2021). In the Iranian context, Pourameh Hir (2013) emphasized the influence of bilingualism on social adjustment and development, illustrating how contextual and cultural factors shape the acquisition of social competencies (Pourameh Hir, 2013). Karimzadeh et al. (2009) similarly confirmed that emotional-social skills training significantly contributes to developmental gains (Karimzadeh et al., 2009). Salah (2008) further supported the argument by demonstrating that psychosocial development and friendship quality in mentally disabled students are strongly associated with their social skills (Salah, 2008). Finally, Karamati (2002) identified the benefits of participatory learning in enhancing both social skills and academic performance (Karamati, 2002).

Taken together, this literature highlights the centrality of social skills education in promoting adaptive behavior, psychological well-being, and academic outcomes. Against this backdrop, the present study investigated the effectiveness of social skills training on the social development and assertiveness of educable female students with intellectual disabilities in Shahrekord, Iran.

Methods and Materials

This study adopted a quasi-experimental design with pretest–posttest measures and a control group. The statistical population consisted of female students with mild intellectual disabilities enrolled in exceptional schools in Shahrekord. Thirty students were selected using convenience sampling and were randomly assigned to experimental and control groups, with 15 participants in each group.

The experimental group received a structured social skills training program delivered over eight sessions, each lasting 90 minutes, twice weekly. The training curriculum included modules on introducing oneself, initiating and sustaining conversations, expressing emotions, asking for help, refusing unreasonable requests, receiving and giving feedback, coping with criticism, and problem-solving.

Instruments included the Vineland Social Maturity Scale (revised version, adapted into Persian) to measure social development, and the Gambrell and Ritchie Assertiveness Questionnaire to assess assertiveness. Data were analyzed using descriptive statistics and multivariate analysis of covariance (MANCOVA). Assumptions of normality, homogeneity of variance (Levene's test), and covariance matrix homogeneity (Box's test) were checked prior to analysis.

Findings

The descriptive statistics indicated that the experimental group improved substantially on both measures compared with the control group. Specifically, mean scores for social development in the experimental group increased from 35.6 (SD = 4.2) in the pretest to 47.2 (SD = 3.8) in the posttest, while the control group showed only a marginal change from 36.1 (SD = 4.0) to 37.5 (SD = 3.9). Similarly, assertiveness scores rose in the experimental group from 22.4 (SD = 3.7) to 30.9 (SD = 3.2), whereas the control group exhibited a negligible increase from 22.7 (SD = 3.5) to 23.4 (SD = 3.6).

MANCOVA results confirmed that the intervention had a significant effect on both dependent variables. For social development, the F value was 17.35 ($p = 0.001$, $\eta^2 = 0.41$), indicating a strong effect size. For assertiveness, the F value was 14.02 ($p = 0.001$, $\eta^2 = 0.36$), also reflecting a robust effect. These results suggest that social skills training was effective in enhancing both social development and assertiveness among the experimental participants, while the control group did not show significant progress.

Discussion and Conclusion

The findings of this study clearly indicate that structured social skills training significantly improves both social development and assertiveness in female students with mild intellectual disabilities. These results are consistent with prior studies that highlight the efficacy of social-emotional interventions in educational and therapeutic contexts. Improvements in social maturity and assertiveness observed in the experimental group suggest that when students are provided with opportunities to practice structured, role-based interactions, they can overcome barriers associated with cognitive limitations and improve their interpersonal competence.

This study aligns with existing literature showing that social skills interventions reduce maladaptive behaviors, enhance self-concept, and strengthen communication abilities (Jamalzadeh, 2010; Khalatbari et al., 2010). It also supports findings from international contexts emphasizing the interconnectedness of emotional intelligence, academic motivation, and social adjustment (Arias et al., 2022; Vila et al., 2021). Importantly, the results demonstrate that culturally adapted programs, when designed with attention to local needs, can generate significant developmental gains.

The practical implications are substantial. Schools serving students with intellectual disabilities can benefit from incorporating structured social skills curricula into their programming, thereby addressing not only academic needs but also the broader psychosocial development of students. The observed improvements in assertiveness further suggest that such training empowers students to express their needs and resist negative peer influences, which can serve as protective factors against victimization and social withdrawal.

In conclusion, the study highlights the powerful role of social skills training in enhancing the psychosocial functioning of educable students with intellectual disabilities. By providing structured, experiential learning opportunities, educators can foster resilience, self-confidence, and adaptive social behaviors. These findings underscore the necessity of institutionalizing social skills education within special education frameworks, both as a means of academic support and as a pathway to improved life outcomes for this vulnerable population.

References

- Ahmad, A. A., & Kamali, R. (2021). *Foundations of sustainable development and its indicators*. Tehran: University Publishing.
- Ahmadi, F., & Shahabi, A. (2021). Analysis of redistributive policies and their impact on poverty reduction in urban areas of Iran. *Social Welfare Quarterly*, 21(4), 85-107.
- Ahmadi, M. (2016). *Theoretical foundations of social development*. Tehran: Sociologists Publications.
- Akhavan Tafti, M., & Mofradnezhad, N. (2018). the relationship of emotional intelligence and social skills with psychological well-being in the elderly. 13(3), 334-345. <https://doi.org/10.32598/sija.13.3.334>
- Alavi, S. M. (2020). *Investigating mental poverty and its consequences in Iranian society* (Vol. 45).
- Alizadeh, M., Hosinzadeh, M. R., & Rostami, E. (2022). *Investigating the effect of inflation and economic shocks on the poverty rate in Iran (2019 to 2021)* (Vol. 14).
- Almond, M. (2020). *Functionalism in Modern Society: The Balance of Inequality* (Vol. 12).
- Amini, A., Khani, A., & Falahy, Z. (2019). Analysis of spatial inequalities and job opportunities in urban areas of Tehran. *Urban Planning and Development Journal*, 15(4), 57-79.
- Arias, J., Soto-Carballo, J. G., & Pino-Juste, M. R. (2022). Emotional intelligence and academic motivation in primary school students. *Psicologia: Reflexão e Crítica*, 35(1), 14. <https://doi.org/10.1186/s41155-022-00216-0>
- Aslani, A. R. A. M., & Rahmani Khalili, E. (2024). Strategic studies of NAJA. 9(3), 163-202.
- Bavi, S., & Ostadabbasi, S. (2021). Comparing the Effect of Social Skills Training and Life Skills Training (Assertiveness, Problem-Solving, and Anger Control) on Addiction Readiness, Aggression, and Attitude Change Toward Substance Use Among Ninth-Grade Female Students. *Social Psychology*, 9(60), 75-84. <https://sanad.iau.ir/en/Journal/psychology/Article/925330>
- Boostani-Kashani, A.-A., Khodabakhshi-Koolaei, A., Davoodi, H., & Heidari, H. (2021). The Effect of Narrative Therapy on Communication Skills, Emotional Expression and Empathy among Couples Intending to Marry. *SALĀMAT-I IJTIMĀ'Ī (Community Health)*, 8(2), 232-246. <https://doi.org/10.22037/ch.v8i2.28959>
- Chao-Fernández, R., Gisbert-Caudeli, V., & Vázquez-Sánchez, R. (2020). Emotional Training and Modification of Disruptive Behaviors through Computer-Game-Based Music Therapy in Secondary Education. *Applied Sciences*, 10(5).
- Corak, M. (2013). Income Inequality, Equality of Opportunity, and Intergenerational Mobility. *Journal of Economic Perspectives*, 27, 79-102. <https://doi.org/10.1257/jep.27.3.79>
- Factor, R., Rea, H., Dahiya, A., & Albright, J. (2021). An initial pilot study examining child social skills, caregiver styles, and family functioning in the PEERS® for Preschoolers program for young autistic children and their caregivers. *Research in Developmental Disabilities*, 121, 41-52. <https://doi.org/10.1016/j.ridd.2021.104152>
- Ghasemi, R., & Noorouzi, M. (2022). The social security system and strategies for reducing poverty in Iran. *Social Policy Journal*, 10(3), 50-75.
- Ghorbani, H., & Rezayi, H. (2015). The application of qualitative content analysis in social science research. *Quarterly Journal of Social Development Studies in Iran*, 7(3), 35-52.
- Haan, J., & Sturm, J. E. (2017). Inflation and Income Distribution: Evidence from OECD Countries. *Journal of Economic Studies*.
- Hosseini, R. (2022). The role of geographical location and access to natural resources in poverty distribution. *Applied Geographical Research*(10), 80-95.
- Hussein, K. (2021). The relationship between emotional intelligence and academic motivation of pre-university students using the mediating role of mental health. *Management and Educational Perspective*, 3(2), 77-98. <https://doi.org/10.22034/jmep.2021.294708.1060>
- Imjai, N., Aujirapongpan, S., Jutidharabongse, J., & Usman, B. (2024). Impacts of Digital Connectivity on Thailand's Generation Z Undergraduates' Social Skills and Emotional Intelligence. *Contemporary Educational Technology*, 16(1), ep487. <https://doi.org/10.30935/cedtech/14043>
- Jamalzadeh, S. (2010). *The effectiveness of social skills training on self-concept, assertiveness, and self-efficacy in male adolescents in Urmia during the 2009-2010 academic year* Faculty of Psychology and Educational Sciences, Teacher Training University of Tehran]. Master's thesis.
- Karamati, M. R. (2002). The impact of participatory learning on the development of social skills and learning of mathematics. In. Doctoral dissertation: Teacher Training University of Tehran.
- Karimi, A., & Ahmadi, R. (2020). *Social analysis of urban poverty in Tehran*. Tehran: Mohammadi.
- Karimi, A., Heydari, M., & Mohseni, R. (2020). *Spatial and social dynamics in the metropolis of Tehran: Issues and challenges*. Tehran: University of Tehran Press.
- Karimzadeh, M. (2021). *Emotional Intelligence in the Classroom: Empowering Teachers and Students Through Emotional-Social Skills Training*. Ministry of Science, Research and Technology, Alzahra University, Faculty of Educational Sciences and Psychology.

- Karimzadeh, M., Akhavan Tafti, M., Kiamanesh, A., & Akbarzadeh, N. (2009). The impact of emotional-social skills training on the development of these skills. *Behavioral Sciences Journal*, 3(2), 143-149.
- Kazemi, A. (2021). Economic crises and their impact on sudden poverty in Iran. *Iranian Economic Studies*, 1(8), 75-89.
- Khademizadeh, M. (2022). *Sociology of social inequalities*. Tehran: University of Tehran Press.
- Khakpour, A., & Bavandpoori, R. (2019). Analysis of development inequality in Mashhad: Spatial approach and urban sustainability. *Urban Sciences and Sustainable Development Journal*, 6(2), 54-76.
- Khalatbari, J., Ghorban Shiroodi, S., & Rahbar, K. F. (2010). Comparing the effectiveness of social skills training on assertiveness and mental health in students with intellectual disabilities. *Educational Psychology Quarterly*, 1(4), 71-86.
- Khezri, H. (2019). *Theories of sociological inequality*. Tehran: Humanities and Cultural Studies Research Institute.
- Lee, J., Lee, T. S., Lee, S., Jang, J., Yoo, S., Choi, Y., & Park, Y. R. (2022). Development and application of a metaverse-based social skills training program for children with autism spectrum disorder to improve social interaction: Protocol for a randomized controlled trial. *Jmir Research Protocols*, 11(6), e35960. <https://doi.org/10.2196/35960>
- Maconis, J. J. (2021). *Sociology*. Pearson Education.
- Madani, K. (2012). Sustainable development and the necessity of paying attention to the cultural capacities of local communities. *Scientific-Research Journal of Natural Environmental Studies in Iran*, 64(4), 75-86.
- McNaughton, S., Zhu, T., Rosedale, N., Jesson, R., Oldehaver, J., & Williamson, R. (2021). In School and Out of School Digital Use and the Development of Children's Self-regulation and Social Skills. *British Journal of Educational Psychology*, 92(1), 236-257. <https://doi.org/10.1111/bjep.12447>
- Moavand, A., Valinouri, S., Hatami Nejad, H., Zanganeh, I., & Kamani Roudi, M. (2016). Spatial analysis of urban poverty in the metropolis of Tehran. *Urban Economics and Management*, 4, 19-36.
- Moavand, K., Abdollahi, S., & Soleimani, R. (2016). Spatial analysis of urban poverty in urban areas of Tehran. *Quarterly Journal of Spatial Planning and Management*, 20(1), 23-45.
- Mohammadi, S. (2020). *Spatial analysis of access to urban services in different areas of Tehran*. Tehran: Urban Studies Research Institute.
- Mousavi, N. (2019). The impact of cultural factors and social structures on poverty and gender inequality. *Iranian Sociology Quarterly*, 45-65.
- Najafi, M. (2018). *Dimensions of identity and social trust in Iran's development*. Tehran: Social Research Publications.
- Nasiri, M. (2022). Corruption, political instability, and its impact on poverty in developing countries. *Journal of Politics and Development*, 50.
- Polat, Ö., Sezer, T., & Akyol, N. A. (2022). Collaborative learning with mind mapping in the development of social skills of children. *Participatory educational research*, 9(1), 463-480. <https://doi.org/10.17275/per.22.25.9.1>
- Pourameh Hir, Z. (2013). *Comparison of social development and social adjustment between monolingual and bilingual children in preschool centers in Ardabil* [Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University]. Master's thesis.
- Rasooli, P. D., R., Mohammadisirat, F., & Hosseyniyaan, P. D., S. (2020). Teaching through Storytelling as a Way of Improving Emotional Intelligence and Reducing Bashfulness among Female Students [Research]. *Quarterly Journal of Education*, 36(1), 153-169. <http://qjoe.ir/article-1-2255-en.html>
- Rezayi, Z., Hosseini, H., & Mirabi, N. (2023). Unequal distribution of educational facilities and job opportunities in Tehran. *Urban and Regional Planning Journal*(40), 98-120.
- Sabatini, F., & Tacsir, E. (2022). Urban Quality of Life: Concept, Measurement, and Application. *Sustainability*, 1234. <https://doi.org/10.3390/su14051234>
- Sadeghi, A. (2019). *Social capital and social development in Iran*. Tehran: Sociology Publications.
- Sadeghi, M., & Zanjari, M. (2017). Spatial model of development inequality in the 22 districts of the metropolis of Tehran. *Social Welfare Quarterly*, 17(67), 71-98.
- Saidi, M. (2020). Investigating economic factors affecting poverty in Iran. *Quarterly Journal of Economics and Development*(23), 50-75.
- Sajadi, M. R., Habibi, A., & Sadeghi, A. (2018). *Analysis of the expansion of informal settlements in the metropolis of Tehran*. Tehran: Urban Studies Center Publications.
- Salah, V. (2008). *Investigating the psychosocial development and quality of friendships in mentally disabled students* [General Psychology, Shiraz University]. Master's thesis.
- Salehi Amiri, S. R., & Rahmani, N. (2009). *Poverty, inequality, and human development*. Tehran: Samt Publications.
- Shahbazi, R., & Ghafari, G. (2019). Spatial and social inequality in Tehran: Spatial representation of poverty and welfare. *Social Studies and Research in Iran*, 8(4), 1-25.
- Shojaei, A., Mohammadi, Z., & Abbasi, S. (2021). Social inequality and urban development: A case study of Tehran. *Urban and Regional Studies Quarterly*, 12(4), 98-123.

- Soleimani, M. (2019). *Theories and concepts of social development*. Tehran: Humanities and Cultural Studies Research Institute.
- Taheri, S., & Pourkarimi, A. (2017). The role of higher education in reducing income inequality in Iran. *Journal of Social Development Studies*, 10(2), 115-130.
- Trigueros, R., Sanchez-Sanchez, E., Mercader, I., Aguilar-Parra, J. M., López-Liria, R., Morales-Gázquez, M. J., Fernández-Campoy, J. M., & Rocamora, P. (2020). Relationship between emotional intelligence, social skills and peer harassment. A study with high school students. *International journal of environmental research and public health*, 17(12), 4208. <https://doi.org/10.3390/ijerph17124208>
- Vila, S., Gilar-Corbí, R., & Pozo-Rico, T. (2021). Effects of Student Training in Social Skills and Emotional Intelligence on the Behaviour and Coexistence of Adolescents in the 21st Century. *International journal of environmental research and public health*, 18(10), 5498. <https://www.mdpi.com/1660-4601/18/10/5498>
- Wilkinson, R., & Pickett, K. (2018). *The Inner Level: How More Equal Societies Reduce Stress, Restore Sanity and Improve Everyone's Wellbeing*. Penguin Books.
- Yousefi, F., & Hashemian Nejad, F. (2021). The Effect of Educational Games on Learning Math Concepts and Social Skills in Anxious Preschoolers [Original Research Article]. *Middle Eastern Journal of Disability Studies---*, 11(0), 213-213. <http://jdisabilstud.org/article-1-2428-en.html>
<http://jdisabilstud.org/article-1-2428-en.pdf>